پیام سه

مرحله سوم غزل غزل‌ها –
خوانده‌شده به زندگی کردن در صعود
به‌عنوان خلقت نو در رستاخیز

خواندن کتاب مقدس: غزل غزل‌ها:۳: ۶ – ۵: ۱

۱. عاشق مسیح در مرحله سوم تجربه‌اش، به زندگی کردن در صعود خوانده می‌شود تا عاشق زیباگشتهٔ مسیح به‌عنوان خلقت نو در رستاخیز باشد – غزل غزل‌ها ۳: ۶ – ۵: ۱.

۲. «بیا با من از لبنان، ای عروس؛ با من از لبنان بیا. از قله امانه، از قله شنیر و حرمون، از مغاره‌های شیرها و از کوه‌های پلنگ‌ها بنگر» – ۴: ۸:

آ. مسیح، عاشقش را به زندگی کردن با او در صعودش می‌خواند، همان‌طور که او را برای باقی ماندن در صلیبش خوانده بود –۲: ۱۴:

۱. مسیح از عاشقش به‌عنوان عروسش می‌خواهد که با او از صعود او (لبنان)، بالاترین مکان حقیقت (امانه) و پیروزی مسیح در جنگیدن او (شنیر، به معنای «زره نرم» و حرمون، به معنای «ویرانی»)، و از مکان‌های آسمانیِ دشمنان (مغاره‌های شیرها و کوه‌های پلنگ‌ها) بنگرد.

۲. هنگامی‌که عاشق مسیح در صعود زندگی می‌کند، او و مسیح در یک وضعیت، وضعیت صعود، زندگی می‌کنند تا یک زوج باشند؛ آنها در حیات و طبیعت یکسان‌اند، کاملاً با یکدیگر مطابقت دارند.

ب. زندگی کردن در صعود، پیوسته زندگی کردن در روحمان است؛ هنگامی‌که ما در روحمان زندگی می‌کنیم، به مسیح صعودکرده در آسمان‌ها می‌پیوندیم – افسسیان ۲: ۲۲؛ پیدایش ۲۸: ۱۲-۱۷؛ یوحنا ۱: ۵۱؛ مکاشفه ۴: ۲-۱؛ عبرانیان ۴: ۱۲، ۱۶.

پ. ما باید بیاموزیم که خود را در مکان پنهان حضرت اعلی، در مسیح صعودکرده، مخفی کنیم و او را به‌عنوان محل سکونتمان برگیریم – مزامیر ۹۱: ۱، ۱۴-۱۶؛ قس. غزل غزل‌ها ۲: ۱۴:

۱. برگرفتن خدا به‌عنوان محل سکونت جاودانی‌مان، بالاترین و کامل‌ترین تجربه خداست – مزامیر ۹۰: ۱-۲.

۲. اگر ما خدا را به‌عنوان محل سکونت خود برگیریم، تشخیص خواهیم داد که طول عمر ما روی زمین کوتاه و پر از گناهان و مشقت‌هاست – آآ. ۳-۱۲.

۳. ما باید در خدا ساکن باشیم، هر دقیقه در او زندگی کنیم چون بیرون از او گناهان و مشقت‌ها هستند – آ. ۸؛ یوحنا ۱۶: ۳۳.

۴. ما با ساکن بودن در روحمان، محل سکونت خدا، در خدا ساکن هستیم؛ در روحمان و در کلیسا می‌توانیم زیبایی او را بنگریم و از زیبایی او آکنده شویم تا خلقت نوی زیباگشته شویم – افسسیان ۲: ۲۲؛ رومیان ۸: ۶؛ مزامیر ۲۷: ۴؛ اشعیا ۶۰: ۷ب، ۱۹ب؛ ۶۲: ۳؛ غزل غزل‌ها ۳: ۱۱؛ امثال ۱۲: ۴آ.

۳. «سلیمان پادشاه تخت‌روانی برای خویشتن از چوب لبنان ساخت. ستون‌هایش را از نقره؛ و سقفش را از طلا؛ و کرسی‌اش را از ارغوان ساخت؛ و وسطش به محبت دختران اورشلیم معرق بود» – غزل غزل‌ها ۳: ۹-۱۰:

آ. توسط کار دگرگون‌کننده روح در ما، ظرف متحرک مسیح، کالسکه مسیح، «وسیله نقلیه» مسیح، می‌شویم برای حرکت مسیح در بدن مسیح و برای آن – قس. ۲ قرنتیان ۲: ۱۲-۱۷.

ب. ما با تثلیث الهی مجدداً بنا می‌شویم تا ساختار بیرونی‌مان انسانیت رستاخیزکرده و صعودکرده عیسی باشد و دکوراسیون داخلی‌مان، عشقمان به خداوند – غزل غزل‌ها ۳: ۹-۱۰:

۱. مسیح به‌عنوان سلیمانِ پادشاه ماست که ما را برای خودش یک تخت‌روان می‌سازد؛ مسئولیت ما فقط تقدیم کردن عشقمان به او و تقدیم کردن خودمان به او با کمال میل است – یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ مزامیر ۱۱۰: ۳.

۲. وجود درونی ما باید «به محبت معرق» باشد (غزل غزل‌ها ۳: ۱۰)؛ عاشق خداوند بودن، ما را در قلمرو داشتن مسیح به‌عنوان انسانیتمان حفظ خواهد کرد و انسانیت ما را در محدودیت محبت خود محافظت می‌کند – ۲ قرنتیان ۵: ۱۴.

پ. ازطریق دوست داشتن خداوند به نحوی شخصی، پرمهر، خصوصی و روحانی، وجود طبیعی ما تخریب می‌شود و ما با مرگ بازخریدکنندهٔ مسیح پسر (ستون‌های ساخته‌شده از نقره)، با طبیعت الهی پدر (پایه) و با روح حیات‌بخشِ حکمران در درونمان (کرسی ارغوان) درحال بازسازی شدن هستیم، همچنان‌که مسیح را به‌عنوان پادشاهمان در حکمرانی روح می‌پذیریم – غزل غزل‌ها ۳: ۱۰؛ قس. رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ ۲ قرنتیان ۴: ۱۸-۱۶.

۴. ما ازطریق زندگی کردن در صعود به‌عنوان خلقت نو در رستاخیز، باغ خصوصی مسیح برای رضایت او می‌شویم – غزل غزل‌ها ۴: ۱۰-۱۵:

آ. «ای خواهر و عروس من، محبت‌هایت چه بسیار لذیذ است! محبت‌هایت از شراب چه بسیار نیکوتر است، و بوی عطرهایت از جمیع عطرها!» - آ. ۱۰:

۱. جوینده می‌گوید که عشق خداوند از شراب «نیکوتر» است، اما خداوند می‌گوید که عشق جوینده از شراب «بسیار نیکوتر» است؛ گرچه ما عشق خداوند را گرامی می‌داریم، ولی نمی‌توانیم درک کنیم که عشق او نسبت به ما چقدر نفیس است؛ این نشان می‌دهد که او حتی در محبتش به ما، سرآمد است – قس. ۱: ۲؛ رومیان ۸: ۳۷؛ ۲ قرنتیان ۵: ۱۴.

۲. جوینده ازطریق دوست داشتن خداوند از روح اشباع می‌شود و در تسلیم شدن به روح توسط روح شکل داده می‌شود تا هم عطر مسیح را منتشر کند و هم عطر مسیح شود – غزل غزل‌ها ۴: ۱۰ب، ۱۱ب؛ یوحنا ۱۲: ۳؛ ۲ قرنتیان ۲: ۱۵.

ب. «ای عروس من، لب‌های تو عسل را می‌چکاند؛ زیر زبان تو عسل و شیر است» – غزل غزل‌ها ۴: ۱۱آ:

۱. شیر و عسل که آمیختن حیات حیوانی و حیات گیاهی هستند، دو جنبه از حیات مسیح هستند – جنبه بازخرید و جنبه مولد – تثنیه ۸: ۸؛ ۳۲: ۱۳-۱۴؛ یوحنا ۱: ۲۹؛ ۱۲: ۲۴؛ متی ۲۶: ۲۶-۲۸.

۲. بخصوص هنگامی‌که ما در روح ضعیف هستیم و برای تجربه کردن و به‌کار بستن خداوند به او می‌آییم، حس می‌کنیم که او شیر و عسل است، غنا و شیرینی حیات مسیح – ۲ قرنتیان ۱۲: ۹-۱۰.

۳. عسل، ضربه‌دیدگان را ترمیم می‌کند و شیر، افراد جدید را تغذیه می‌کند؛ جوینده، ثروت‌های بسیاری را درونش ذخیره کرده است، چنان‌که به‌نظر می‌رسد خوراک زیر زبانش است و می‌تواند در هر زمان آن را به نیازمندان توزیع کند – اشعیا ۵۰: ۴؛ افسسیان ۴: ۲۹؛ مزامیر ۴۵: ۱-۲.

۴. این شیرینی یک‌شبه تولید نمی‌شود، بلکه از یک دوره طولانیِ جمع‌آوری، فعالیت درونی و ذخیره نمودن بادقت حاصل می‌شود – قس. خروج ۲۹: ۳۰؛ مزامیر ۹۲: ۱۳-۱۴.

۵. «خواهر و عروس من، باغی بسته شده است، چشمه مقفّل و منبع مختوم است... چشمه باغ‌ها، و برکه آب زنده، و نهرهایی که از لبنان جاری است» - غزل غزل‌ها ۴: ۱۲، ۱۵:

آ. در این نقطه، جویندهٔ عاشق خداوند در ترقی روحانی‌اش، باغی برای رضایت خصوصی مسیح گشته است؛ او باغی گشوده نیست، بلکه باغی بسته، باغی مُهرشده، است؛ همه آنچه او دارد نهایتاً برای خوشی محبوبش است و برای هیچ‌کس دیگری نیست:

۱. اگر ایمانداران کمی بیشتر خود را ببندند و محکم‌تر مُهروموم کنند، کارشان نافذتر می‌شود؛ باشد که خداوند به ما فیض عطا نماید و کاری عمیق‌تر ازطریق صلیب در ما انجام دهد تا ما ریشه‌های عمیقی بزنیم و حیاتی پنهان را «در نهان» برای برآورده کردن الزامات خدا و رضایت قلب او زندگی کنیم – متی ۶: ۶؛ ۱۳: ۲۰-۲۱.

۲. زندگی مسیحی برای زندگی کلیسا، حیاتی در اعماق است، حیاتی است که می‌تواند «به پایین ریشه زند و به بالا میوه آورَد» – اشعیا ۳۷: ۳۱.

ب. «خداوند خدا باغی در عدن، به‌طرف مشرق غرس نمود؛ و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت» (پیدایش ۲: ۸)؛ برطبق کتاب مقدس، باغ، تفکر نخست خداست؛ «عدن» یعنی «خوشی» و نشان می‌دهد که خدا می‌خواهد انسان را خشنود و راضی نموده و او را خوشحال نماید.

پ. زندگی کلیسا باغ خدا، کشتزار خدا، است تا آنکه ما با رشد خدا، رشد کنیم و با ثروت‌های خدا دگرگون شویم تا بنای خدا گردیم – آ. ۸؛ کولسیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۱۹؛ ۱ قرنتیان ۳: ۹؛ مکاشفه ۲۲: ۱-۲؛ قس. ۲۵: ۳۱-۳۲.

ت. خدا انسان را در باغ نهاد «تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید.» - پیدایش ۲: ۱۵:

۱. اینکه انسان کار زمین را بکند آن است که حیات، به‌ویژه درخت حیات، رشد کند برای برآورده نمودن جنبه نخست مقصود خدا – برای اینکه انسان خدا را در صورت او ابراز کند؛ کار زمین را کردن، رسیدگی کردن به قلبمان است برای آنکه آن را زمینی نیکو سازیم تا مسیح بتواند در آن رشد نماید – ۱: ۲۶آ؛ متی ۱۳: ۳-۲۳.

۲. محافظت از زمین توسط انسان، حفاظت باغ از دشمن خداست برای برآورده نمودن جنبه دوم مقصود خدا – مقابله کردن انسان با شیطان توسط اقتدار خدا؛ محافظت از زمین، باز نگذاشتن هیچ راه رخنه‌ای برای شیطان به‌عنوان درخت دانش، درخت مرگ، است – پیدایش ۱: ۲۶ب؛ ۲ قرنتیان ۵: ۴؛ ۱۱: ۳؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۲۶؛ قس. لاویان ۵: ۲.

ث. ما از مسیح برای مسرت و رضایت مسیح، مسرت می‌بریم؛ خداوند برای ما همه‌چیز است تا بتواند همه‌چیز را از ما مسرت ببرد – غزل غزل‌ها ۱: ۱۲-۱۴؛ ۴: ۱۲-۱۴؛ ۵: ۱.

ج. در این باغ، سرچشمه و برکهٔ آب زنده هست؛ خدا پدر، سرچشمه است؛ خدا پسر، برکه است؛ و خدا روح، نهرهای جاری است تا ما از جاری شدن خدای سه‌یکتا مسرت برده و اورشلیم نو گردیم – ۴: ۱۵؛ یوحنا ۴: ۱۴ب.

چ. «ای باد شمال، برخیز؛ و ای باد جنوب، بیا! بر باغ من بوز: تا عطرهایش منتشر شود» - غزل غزل‌ها ۴: ۱۶آ:

۱. باد شمال (سرد، ناملایم، تند و سخت) و باد جنوب (گرم، ملایم، پرطراوت و لذت‌بخش) دو محیط مختلف هستند که خداوند از آنها برای آموزش ایماندارانش استفاده می‌کند تا از او به‌عنوان راز کفایتشان مسرت ببرند – فیلیپیان ۴: ۱۱-۱۳، ۷-۵؛ ۱: ۲۰.

۲. جوینده خداوند تشخیص می‌دهد که تمام مشکلات از درون می‌آیند نه از بیرون؛ او می‌داند که تا وقتی‌که او از روح به‌عنوان حضور خدای سه‌یگانه پر شده باشد می‌تواند در هر محیطی با خوشحالی زندگی کند و مسیح را ابراز نماید.

© 2026 Living Stream Ministry